

کتاب

یادداشت‌دبیر

صفحاتی
گور به گور شده!

پخ لاشز چه جور غذایی است؟

محمدعلی یزدانیار

دبیرگروه کتاب
mohammadaliyazdanyar@gmail.com

الف. پخ لاشز غذا نیست، یک مکان است، در واقع یک گورستان است و این گورستان جاذبه فرهنگی مهمی در پاریس به شمار می‌آید و ما هم همکارمان را فرستادیم پاریس که گزارشی داغ، زنده و جالب برای شما تدارک ببیند.

ب. خالی بستم! همکار ما خودشان در پاریس ساکن هستند، ما اگر می‌توانستیم کسی را بفرستیم پاریس که الان برایتان مثل بلبل فرانسوی حرف می‌زد.

پ. کاملاً بر حسب تصادف مطلب کتاب‌های چهارگانه «گورستان کتاب‌های فراموش شده» در این شماره و در کنار مطلب «گورستان پخ لاشز» قرار گرفته که حال و هوای صفحات ما را کمابیش عرفانی و تجربه نزدیک به مرگ طور کرده است! کارلوس روئیت نافون که اخیراً هم از دنیا رفت، این چهارگانه معروف و بسیار پر فروش را نوشته. من هر چهار عنوان را تهیه کردم، آخری را همین چند روز پیش و به قیمت کم‌ترشکن ۶۰۰ هزار تومان وجه رایج مملکت و همچنین حدوداً یک سال و نیم پیش جلد اول را خوانده‌ام. کتاب خوبی بود، اما عالی؟ در این مورد به مطلب خاتم اشرفی مراجعه کنید.

ت. چند روز پیش برای اولین بار در جمعی حضور یافتیم. گروهی کوچک با هدف کتابخوانی و ارتقای مطالعه، کمک به مدارس، محلات و کتابخانه‌های محلی. همگی هم ساکن یکی از شهرهای اطراف تهران، به‌نظم گروهی هستند که ارزش معرفی را دارند. دوستانی تحصیلکرده، پیگیر و اهل ادب و فرهنگ که قصد دارند با گروه کوچک‌شان کارهای بزرگی انجام بدهند. اگر در جمع‌شان ماندم و بودم و دیدم، شاید بزودی گزارشی از یک گروه کم‌تعداد اما پراکنده خواندید.

ث. راستی، ببینم! اصلاً چیزی از آن پیشنهادهای ادبیات ورزشی ما خوانده‌اید؟ واقعاً دلخور می‌شوم اگر نخوانده باشید. مخصوصاً الان که این یادداشت‌ها را می‌نویسم تنها ۱۲ ساعت تا فینال جام جهانی باقی مانده است و هورمون فوتبال درون من به میزان زیادی ترشح شده است. مسی هم به فینال رسیده و فقط یک قدم با چسبیدن به سر و ته تاریخ فاصله دارد. بنابراین از آن کتاب‌ها بخوانید حتی اگر ارتباط این موضوعات را با هم متوجه نشدید! اگر هم فرانسه قهرمان شد - شما پنجشنبه این یادداشت را مطالعه می‌کنید - به رویم نیاورید! متشکریم.

ج. یک مورد مسرت‌بخشی هم اخیراً به چشم خورد که با شما در میان می‌گذارم و آن هم تجدید چاپ سه مجموعه شعر است از هوشنگ ابتهاج بزرگ و عزیز. نمی‌دانم گیر و گرفت روند طولانی و چندین ساله بازنشر این آثار چه بود، ناشر در این مورد چیزی می‌گفت و فعالان دیگر بازار شایعات دیگری در چنته داشتند، اما هرچه باشد جای سایه خالی که نبودش در زمان انتشار مجدد آثارش بسیار دلگیر است.



پخ لاشز غذا نیست، یک مکان است، در واقع یک گورستان است و این گورستان جاذبه فرهنگی مهمی در پاریس به شمار می‌آید و ما هم همکارمان را فرستادیم پاریس که گزارشی داغ، زنده و جالب برای شما تدارک ببیند

کارلوس روئیت نافون (Carlos Ruiz Zafón)، با همین حروف و تلفظی غیرمعمول در زبان فارسی، نام نویسنده‌ای است اسپانیایی، که ۵۶ سال بیشتر عمر نکرد (۲۰۲۰-۱۹۶۴)، ولی در همین مدت آثارش در جهان ادبیات خوش درخشید. نویسنده‌ای که همچون آهنگ و طنین نامش، لاقال برای ما فارسی‌زبان‌ها، کتاب‌هایی پر از رمز و راز نوشته است.

نافون چندرمان دارد، ولی معروف‌ترین آنها سری رمان‌های «گورستان کتاب‌های فراموش‌شده» است. مجموعه‌ای چهارجلدی شامل «سایه باد»، «بازی فرشته»، «زندانی آسمان» و «هزارتوی ارواح». خواندن کتاب‌ها را حتماً باید به ترتیبی که پیش‌تر نام بردم شروع کرد. هر چهار کتاب از سال ۱۳۹۸ تا به امروز از طرف نشر نیماژ وارد بازار کتاب شده‌اند که با استقبال خوانندگان ایرانی نیز مواجه شده است.

نافون به عنوان یک نویسنده عمر کوتاهی داشت، می‌شد بیشتر در این دنیا بماند و ما را بیشتر به هزارتوهای قصه‌هایش ببرد. با این حال او در تک تک قصه‌هایش حضور دارد؛ فردی عاشق کتاب‌ها، واژه‌ها، قصه‌ها، رمز و رازها، نشانه‌ها و هرآنچه به ادبیات ربط پیدا می‌کند. روح او در کتاب‌هایش جاری است.



من در تجارت قصه‌گویی هستم

درباره مجموعه ۴ جلدی «گورستان کتاب‌های فراموش‌شده» به بهانه چاپ جلد چهارم

گفت و گوهای بین شخصیت‌ها بیشتر بر محور کتاب‌های ادبی مهم دنیا و طرز فکر نویسندگان می‌گذرد و اصلاً بیشتر اتفاقات کتاب‌ها برای کشف یک مکان خاص است به اسم «گورستان کتاب‌های فراموش‌شده»، جایی که عده‌ای به خاطر علاقه شخصی‌شان به کتاب‌ها بعد از واقعه کتاب‌سوزی نازی‌ها ساخته‌اند تا تعدادی نسخه از کتاب‌های جهان را سالم نگه دارند.

ترجمه نسخه فارسی

ترجمه ادبی یک نوع بازآفرینی دوباره یک کتاب است. مترجم ادبی تنها با تکیه بر دانسته‌های فنی زبان مبدأ نمی‌تواند یک کتاب ادبی را به زبان مقصد (فارسی) برگرداند. مترجم ادبی باید به فنون زبان و ادبیات فارسی مسلط باشد و نیز بر ادبیات جهان از کلاسیک تا مدرن. مترجم باید با اتفاقات تاریخی، اجتماعی و سیاسی و فرهنگ کشور متن موردنظر آشنا باشد، مترجم باید...

خوشبختانه آقای «علی صنعوی»، مترجم این مجموعه بیشتر بایده‌های یک مترجم خوب را داراست و در واقع پرفروش شدن این مجموعه در این و آن فضای کتابخوانی ایرانی‌ها و البته در این و آن فضای گرانی کتاب‌ها و ام‌دار ترجمه خوب مترجمش است. به همت ترجمه روان و یکدست مترجم مجموعه چهارجلدی نافون، به مجموعه‌ای خوشخوان تبدیل شده. روایات و گفت و گوها روانند و پرش و به اصطلاح سکنه زبانی ندارند، هراچی متن اشاره به فرهنگ، اتفاقی تاریخی، سیاسی و یا ادبی در کشور اسپانیا شده، مترجم در پانویست‌هایی به شرح آن پرداخته. حتی اگر جایی مترجم فکر کرده که خواننده شخصیتی و یا اتفاقی را که مربوط به رمان است، ممکن است فراموش کرده باشد، در پانویست‌ها با اشاره‌ای مختصر یادآوری کرده است. مجموعه این تلاش‌ها برای من خواننده احترام گذاشتن به خواننده را نشان می‌دهد.

شخصیتی به‌یادماندنی در دنیای ادبیات ماندگار جهان آشنا می‌شویم؛ فرمین، کسی که سختی‌ها و ورنج‌های زیادی را به جان کشیده، ولی سرشار از انرژی و زندگی است. فرمین با دیالوگ‌ها و تحلیل‌های حقیقی و لحن بامزه و طنزی‌گزنده همراه همیشگی و دوست وفادار دانیل است.

«بازی فرشته» جلد دوم از مجموعه در سال ۲۰۰۸ منتشر شد. این رمان با اینکه جلد دوم است، اما ماجرای رمان از لحاظ زمانی نیم‌قرن قبل از قصه «سایه باد» شروع می‌شود، درست پس از پایان جنگ جهانی اول (۱۹۱۷). بعضی از شخصیت‌های کتاب اول هم در این رمان حضور دارند و برخی هنوز به دنیا نیامده‌اند. با این حال قصه به طریقی با جلد اول مرتبط است. در واقع قصه یک‌جور پیش‌درآمد برای اتفاقات جلد یک و سه است. راوی «بازی فرشته» داوید مارتین است، نویسنده‌ای ماهر و حرفه‌ای که چون معروف نیست و نیز به‌خاطر افتادش در یک‌سری ردوبند‌های سیاسی پلیسی و مرموز، به اسم اصلی خودش نمی‌نویسد. جلد سوم «زندانی آسمان» نام دارد و در سال ۲۰۱۱ منتشر شد. خواننده ممکن است بتواند جلد یک و دو را بی‌ترتیب عددی‌اش بخواند، ولی جلد سوم را هرگز نمی‌تواند بی‌خواندن جلد یک و دو متوجه شود. راوی جلد سوم باز هم دانیل است، این بار در بارسلونای ۱۹۵۴. باز هم با همراهی فرمین و البته شخصیت‌ها و ماجراهایی‌رازآلود از دو کتاب قبلی. جلد سوم این مجموعه طوری تمام شد که خوانندگان سراسر دنیا را منتظر منتشر شدن جلد چهارم نگه داشت.

همیشه پای کتاب‌ها در میان است

همان‌طور که احتمالاً از خلاصه چندخطی کتاب‌ها متوجه شده‌اید، تم و پایه اصلی همه این چهارجلدی، کتاب‌ها هستند، که مجموعه از این نظر برای به‌اصطلاح «بوک‌لاور»‌ها هیجان‌انگیز است. شغل خانوادگی دانیل سمیره و پدرش، کتابفروشی است. یک سر تمام قصه‌ها و رازهای رمان شرکت‌های انتشاراتی و کتابفروشی‌ها و نویسندگان هستند.

الهام اشرفی

نویسنده



نافون طبق گفته خود که در مؤخره «زندانی آسمان» آمده است، خود را تاجر قصه‌ها می‌داند. او نوشتن را تنها مسیر نجاتش می‌داند، چه به لحاظ کسب درآمد و چه به لحاظ رسوخ در روح و ذهن انسان‌ها. قبل از شروع به خواندن کتاب‌هایش خیلی‌ها به من گفتند که اثری متوسطند، ولی همین که شروع به خواندن اولین جلد کردم، دیگر برایم کنارگذاشتنی نبود. نگاهم سُر می‌خورد روی واژه‌ها و ذهنم می‌رفت به‌دنبال قصه‌ها و ماجراها. هر فصل یک راز جدید. هزارتویی از قصه‌هایی رازآلود. کلمات در کتاب‌های او خط به خط، قصه به قصه و لایه به لایه همچون لایه‌های یک عروسک ماتروشکا، ماجراهای هیجان‌انگیز و مرموز را پیش می‌برند. با روشن شدن پیرنگ خردخرد هر ماجرا، ماجرای دیگر سر برمی‌آورد و شخصیت‌های اغلب منزوی، درون‌گرا، بسیار کتاب‌دوست و البته ماجراجو نیز خیال را تسخیر می‌کنند.

بازی فرشته‌ها با سایه‌های زندانی

«سایه باد» در سال ۲۰۰۱ منتشر شد، ماجراهای رمان درست بعد از تمام شدن جنگ جهانی دوم در اسپانیا اتفاق می‌افتد. رمان در مورد رازی است که با محوریت شخصیت دانیل سمیره با آن روبه‌رو می‌شویم، ما با نگاه اول شخص دانیل همراهش می‌شویم. دانیل، که با پدرش مغازه کتابفروشی‌شان را در شهر بارسلون اسپانیا می‌گرداند، از کودکی تا سال‌های میانی عمرش ما را در زندگی عجیب و پررمز و راز شریک می‌کند. دانیل با هیجان‌ات و احساسات ناب نوجوانی‌اش، با ماجراجویی‌هایش به‌دنبال آثار نویسندگانی محبوب، ولی به‌طرز عجیبی فراموش‌شده می‌گردد. در این رمان ما با شخصیتی مؤثر در روند ماجراها و البته

پرفروش‌ترین اثر آمازون و استغفرالله!

لیست پرفروش‌های جهانی و دروغی که رنگ و رو دارد

قدیم‌تر فکر می‌کردم که «در فهرست پرفروش‌های نیویورک تایمز» توهین‌آمیزترین عبارتی است که می‌توان روی یک کتاب نوشت. شبه‌جمله‌ای که کتاب را با احتمال بالای ۹۰ درصد در دسته کتاب‌های خیلی زیاد عامه‌پسند قرار می‌دهد. تا مدت‌ها «فهرست نیویورک تایمز» مرجع خیلی از ناشرین برای یافتن و انتشار آثار پرفروش بود، لیستی که در همان دوران هم خیلی‌ها فکر می‌کردند لیست فروش خود نیویورک تایمز است! این فهرست و فهرست‌های مشابه براساس گزارش فروش در حوزه‌های جغرافیایی مشخص که به روزنامه‌ها و

دنیای
نشر

مجلات می‌رسد تهیه می‌شوند نه اینکه خودشان بروند کتاب بفروشند! خلاصه، می‌گفتم... این جمله کابوس من بود تا اینکه با عبارت «پرنده جایزه مخاطبین گودریز» و بعد از آن «در فهرست پرفروش‌های آمازون» آشنا شدم. حالا ما اینجا چه داریم؟ مثلث مرگبار ابتذال و ربط این مثلث مرگبار به ترجمه کجاست؟ آنجاست که بازار ما رسماً تبدیل شده به محلی برای اینکه کدام ناشر زودتر کدام اثر پرفروش یکی از این مثلث‌ها را به بازار می‌فرستد. «ریچل هریس» و آثار بسیار سخفیش مثل «خودت باش دختر»، «شرم‌منده نباش دختر» و آثار مسلسل‌وار بعدش بزرگ‌ترین نمونه‌روند سرطانی این

مثلث ابتذال هستند. یک جست‌وجوی کوتاه در سایت خانه کتاب نشان می‌دهد که چنین اثر ضعیفی توسط ۲۵ ناشر به بازار روانه شده است. چرا؟ چون خانم یک چیزی نوشتند و در آمریکا یک عده‌ای خواندند. فارغ از اینکه اصلاً ما کجا و آنها کجا و حتی بر فرض اینکه بالاخره اثری صدا کرده و طبیعتاً منتشر هم می‌شود آخر ۲۵ چاپ متفاوت از یک اثر در کدام عقل سلیم و حتی روان پریشی می‌گنجد؟ یک نمونه دیگر - که شکر خدا تبش خوابید و منقرض شد - سرکار خانم جوجو مویز و داستان‌های دختر پسرهای درجه هشت و نه شان هستند. با جست‌وجوی کتاب معروف مویز - من پیش قابل تأمل از زیر دست ناشر در برد؟

Best
Seller
amazon.com

تامت‌ها «فهرست نیویورک تایمز» مرجع خیلی از ناشرین برای یافتن و انتشار آثار پرفروش بود، لیستی که در همان دوران هم خیلی‌ها فکر می‌کردند لیست فروش خود نیویورک تایمز است!